



## الهامی کرمانشاهی (۱۲۶۴-۱۳۲۵ ه. ق.) و یادکرد اهل بیت علیهم السلام در منظومه فتحنامه

احمد قادری<sup>۱</sup>؛ مهروی پاکزاد<sup>۲</sup>؛ شهباز محسنی<sup>۳</sup>

### چکیده

ذکر و یادکرد نیک شخصیت‌های مذهبی از پیامبران و اهل بیت گرفته تا ائمه علیهم السلام از دیرباز در شعر شعرای ایرانی مرسوم بوده. این یادکرد به نوعی پایه عقاید سراینده‌گان و میزان دوستداری آنها را نیز تا حدودی آشکار می‌کرده. فتحنامه حسام‌الملک سروده الهامی کرمانشاهی (۱۲۶۴ - ۱۳۲۵ ه. ق) شاعر شیعی مذهب که یک اثر حماسی است تاکنون بکر مانده و نسخه خطی آن توسط نگارندگان در دست تصحیح است؛ الهامی در ضمن بیان حماسه‌گونه‌ای از شرح سرکوبی هم‌اوندان (یکی از ایلات) در دوره ناصرالدین‌شاه به دست حسام‌الملک حاکم وقت کرمانشاه، با یکسری یادکردهایی از پیامبر (ص)، امام علی (ع)، حضرت زهرا (ع)، ائمه خصوصاً حضرت قائم (عج) روبه‌رو می‌شویم که حکایت از شدت حبّ شاعر دارد و از ادبیات شیعی دوره قاجار محسوب می‌شود. این منظومه در قالب مثنوی، در ۲۵۰۰ بیت به سبک و وزن شاهنامه فردوسی سروده شده است. در این مقاله به بررسی یادکرد مذهبی در لابه‌لای این منظومه حماسی پرداخته‌ایم. روش تحقیق به شیوه توصیفی - تحلیلی بر پایه مطالعات اسنادی و کیفی با توجه به شواهد شعری و سبک شاعر تنظیم شده است. بررسی و شناخت عواملی که

ghaderiahmad4@gmail.com.

pakzad@iauhmahabad.ac.ir

shahbazmohseni@yahoo.com.

۱. دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

۲. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

۳. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد مهاباد، دانشگاه آزاد اسلامی، مهاباد، ایران.

در شکل‌گیری چگونگی مدح و یادکرد اهل بیت در یک منظومهٔ حماسی دخیل بوده ما را به سمت این حقیقت سوق می‌دهد که فرهنگ، قدرت، سیاست و نظام حکومتی در خلق چنین آثاری بی‌تأثیر نبوده که همواره حامی شاعر در پردازش عقاید حاکم بر دستگاه حکومتی بوده و شاید رمز پذیرش منظومه در دستگاه حاکمه همین آبشخور مذهبی و زینت‌بخشی نام و یاد ائمهٔ اطهار بر صحیفهٔ منظومه و ساختار دینی - حماسی آن باشد.

**واژگان کلیدی:** یادکرد، اهل بیت، شیعه، فتحنامه، الهامی

## مقدمه

در متون نظم ادب فارسی به تناسب دوره‌ها و نظام‌های حکومتی و حاکمیت‌های دینی به غیر از منظومه‌های صرف مذهبی، در سایر منظومه‌های ادبی با موضوع ادب حماسی، غنایی، تعلیمی، تاریخی یا عرفانی می‌بینیم که شعرا در بخش‌های آغازین کتاب با توجه به علایق مذهبی و اعتقادی خویش و چنانکه مرسوم ادبا بوده است بعد از حمد و ستایش پروردگار به نعت حضرت رسول و سپس اهل بیت و آل و اصحاب پرداخته‌اند. اما در بین شعرای شیعی مذهب رنگ و بوی چنین ستایش و یادکردهایی گویی در ادامهٔ رسوم و آداب منظومه‌سرایی شعرای هزار سال شعر پارسی، سیر تحوّل خویش را از عقاید تسنّن به عقاید تشیّع طی کرده و ساختار دیگری به خود گرفته‌است به این شیوه که با تغییر مذهب رسمی از سنی به شیعه، شعرای شیعی مذهب پس از حمد خدا و رسول به ذکر و یادکرد خلیفهٔ چهارم و به طور کلی اهل بیت نبی (ع) و ائمهٔ اطهار پرداخته و این بخش از منظومه را به نام ایشان متبرک و مزین نموده‌اند. با وصف اینکه مقدمه و صفحات آغازین این منظومه‌ها در کلیت خود از لحاظ موضوع و نوع ادبی با موضوع اصلی منظومه متفاوت است اما همین همنشینی دو موضوع متفاوت هم خود خلاقیتی در آفرینش ادبی است. برای مثال شاعر در یک منظومهٔ حماسی در آغاز و حتی در جای جای منظومه بازگشتی به عقاید مذهبی خود دارد و به ذکر و یادکرد اهل بیت و ائمه می‌پردازد.

اگر در طیف عظیم خود نام این نوع یادکردها را ستایش و تحمیدیه بگذاریم شاید راه را به اشتباه رفته باشیم چراکه تحمیدیه در لغت به معنی مبالغت کردن در حمد و نیک‌ستودن و پی‌درپی ستایش کردن است و در اصطلاح علوم ادبی به معنای بسیار حمد گفتن از برای خداوند و ذکر نام و ادای احترام به حضرت محمد (ص) می‌باشد که غالباً در آغاز خطبه‌ها و دیباچهٔ کتاب‌ها قرار می‌گیرد (ستوده و نجف‌زاده و همکاران، ۱۳۶۹: ۷/۱).

مناجات هم که جنبهٔ موضوع ادبی دارد یکی از انواع ادب غنایی است زیرا راز و نیاز با خداوند، مایه‌های احساسی و عاطفی دارد. معادل آن در ادب فرنگی «hymn» است. سروده‌هایی در ستایش اربابان انواع و خدایان که در مراسم مذهبی خوانده می‌شده، مزامیر داوود در تورات نیز از این دست است (رک. به شمیسا، ۱۳۷۸: ۲۳۸).

اما یادکرد چیز دیگری است، می‌توان گفت یادکرد نیک زیرمجموعه ستایش‌ها و نعت‌ها است. پس یادکرد، ذکر نام، اشاره یا تلمیح به برخی از جنبه‌های زندگی یا صفات و خلقیات نیک شخصیت مورد علاقه است. یادکرد در شعر نه تفصیل تحمیدیه و نعت را دارد نه سوز و گداز منقبت و مرثیه پس انتخاب نام «ذکر و یادکرد» می‌تواند تا حدودی تعریف جامع و مانعی باشد برای آن دسته از اشعاری که در آن‌ها تنها به ذکر نام و وصفی مجمل از کسی یا کس‌هایی آورده می‌شود.

«آنچه در تحمیدیه‌ها در اولویت قرار دارد، ذکر صفات سلبی و ثبوتی خداوند است و پرداختن به دعا و معاد و نعت پیامبر (ص) که معمولاً زیرمجموعه ادعیه هستند، در درجات بعدی اهمیت قرار دارند» (کریمی و آذرمان، ۱۳۸۷: ۴).

## بیان مسأله

منظومه حماسی «فتحنامه حسام‌الملک» سروده الهامی مشتمل بر ۱۵۰۰ بیت است که در آن به غلبه «حسام‌الملک امیرتومان» بر «احمدوند چلبی»، اشاره شده و یکی از منابع تاریخ کرمانشاهان تا پیش از نهضت مشروطیت به شمار می‌آید. این منظومه، گزارشی است مستند از سرکوبی یکی از طوایف و ایلات دوره قاجار در خطه کرمانشاهان. هر خواننده‌ای در بررسی این منظومه ضمن تأثیرپذیری شاعر از سبک‌زبانی و ادبی حکیم توس، متوجه علایق مذهبی و دینی شاعر نیز می‌گردد. هدف از این پژوهش بررسی عنصر مذهب و علایق شاعر به منقبت اهل بیت در لابه لای تم حماسی منظومه است. در این پژوهش با اشاره به مستندات و شواهد شعری به روش کمی در کل جامعه آماری و تحلیل و دسته‌بندی داده‌های پژوهش بر مبنای کیفی در پاسخ به این سؤال که کیفیت و شیوه منقبت اهل بیت در منظومه فتحنامه چگونه است، خواهد بود؛ لذا در ضرورت و اهمیت موضوع، این مسئله مطرح می‌گردد که همنشینی مدح و منقبت با فضای حماسی حاکم بر منظومه و نیز سیر کاربرد، شیوه و میزان کاربرد سروده‌های منقبتی به طرز پراکنده‌ای از بخش تحمیدیه آغاز کتاب گرفته تا آخرین داستان و ابیات مؤخره کتاب، روش نمونه‌گیری دقیقی به شیوه بسامدی بر اساس استخراج شواهد شعری از منقبت، برای تحلیل و بررسی فراهم ساخته است. اهمیت و اعتبار این پژوهش بیشتر

به دلیل بکر بودن موضوع و علاقه بی حد و حصر شاعر به اهل بیت است.

الهامی که شیعی مذهب بوده و اهل کرمانشاه، با عنایت به اعتقادات خاص مذهبی، در بخش‌های مختلف این پژوهش، ستایش خدا و رسول، منقبت خلیفه چهارم و اهل بیت و سپس مدح امرا و وزرای عصر، تا امام مهدی (عج) را می‌توان مشاهده کرد. نعت‌های مختصر و در مقایسه با کل منظومه از جنبه شمار ابیات، معقول و موجز، حاصل تحقیق را بسیار روشن و شفاف ساخته است.

### پیشینه تحقیق

تحقیق در نعت و ستایش پیامبر (ص) در شعر فارسی از پیشینه بسیار مفصلی برخوردار است و ده‌ها مقاله و کتاب در این خصوص نوشته شده است اما مبحث اصلی مقاله حاضر «یادکرد» اهل بیت پیامبر و ائمه اطهار (ع) در منظومه حماسی فتحنامه است که تاکنون هیچ مقاله‌ای با این عنوان نوشته نشده است. اما در خصوص سایر آثار الهامی که عموماً در پاسداشت مقام حسین (ع) و واقعه جانسوز کربلا و شهادت ایشان است مقالاتی با عنوان زیر کار شده است:

● ابراهیم‌زاده، (۱۴۰۱)، احتمال نقض غرض در تصحیح باغ فردوس الهامی کرمانشاهی (تأملی بر تصحیح منظومه حماسی و آیینی شاهنامه).

● یحیوی و دیگران، (۱۴۰۱)، بررسی تطبیقی اشعار عاشورایی الهامی کرمانشاهی از بعد حماسی.

● حیدری و دیگران، (۱۳۹۹)، بازخوانی جلوه‌های مقاومت در خطبه‌های حضرت زینب (س) و شعر عاشورایی.

● میرزائی، (۱۳۹۳)، معرفی حماسه‌هدینی «چهار خیابان باغ فردوس» و بررسی ارتباط آن با شاهنامه فردوسی.

● محمدی افشار و دیگران، (۱۳۹۷)، بازتاب حماسه ملی در شاهنامه الهامی کرمانشاهی.

## الهامی کیست؟

قبل از اینکه به موضوع اصلی مقاله برگردیم لازم است معرّفی مختصری از شاعر و منظومه فتحنامه حسام‌الملک وی ارائه شود تا خوانندگان با شناخت بیشتری موضوع «یادکرد دینی» را در این منظومه حماسی پیگیری کنند.

میرزا احمد کرمانشاهی فرزند آقا رستم در سال ۱۲۶۴ هـ. ق در خانواده‌ای معتقد و مذهبی در توپسرکان چشم به جهان گشوده، در پنج سالگی همراه خانواده خود به کرمانشاه مهاجرت می‌کند و مدت شش ماه به دبستان می‌رود و خواندن و نوشتن را فرا می‌گیرد و به اجبار و ناخواسته مدرسه را رها می‌کند و برای کسب معاش و کمک به خانواده به اکتساب حرفه و صنعت روی می‌آورد. در بیست سالگی پدر را و پس از چندی مادر را از دست می‌دهد و کفالت خواهر و برادر را به عهده می‌گیرد.

الهامی بعد از مدتی تلاش، برای امرار معاش خانواده دچار مشکل می‌شود، مقروض و بدهکار وامانده می‌گردد. از همین جاست که ناگهان مسیر زندگی‌اش تغییر می‌کند و در خواب مُلهم می‌شود و به سرودن منظومه روی می‌آورد. او که تا آن زمان «ملول» تخلص می‌کرده است، به سفارش استادش حسینقلی خان سلطانی کلهر، مبدّل به «الهامی» می‌شود.

الهامی سرودن مثنوی عظیم و باشکوه «باغ فردوس» را در سال ۱۲۹۵ هـ. ق یعنی ۳۶ سالگی آغاز می‌کند و بعد از هفت سال مثنوی را از آغاز حرکت حضرت ابا عبدالله (علیه‌السلام) تا قیام و شهادت مختار در قالب سی هزار بیت در سال ۱۳۰۲ هـ. ق به پایان می‌برد و پس آن به شانزده هزار بیت تقلیل می‌دهد.

یکی از شعرای معاصر الهامی به نام محمد باقر میرزایی خسروی می‌نویسد: الهامی به غیر از مثنوی باغ فردوس، قریب به سی هزار بیت دیگر از قصاید فصیح و غزلیات ملیحه و مسّمّات بدیعه در مدح و منقبت و رسایی اهل بیت دارد (انسانی، ۱۳۹۴: ۴-۱).

از الهامی سه فرزند ذکور به نام‌های ابوالحسن و عبدالحسین و ابوالقاسم بر جای می‌ماند که هر سه شاعر بوده‌اند و ابوالقاسم لاهوتی آخرین فرزند اوست. فردوسی شاه کربلا یعنی الهامی کرمانشاهی در سال ۱۳۲۵ هـ. ق از دنیا می‌رود (انسانی، ۱۳۹۴: ۴-۱).

## آثار الهامی

از آثار برجسته الهامی، باغ فردوس، مسعودنامه یا فتحنامه حسام‌الملک، مثنوی حسن منظر، دیوان الهامی شامل قصاید، غزلیات و مثنوی‌ها است. اما مشهورترین آنها باغ فردوس است، که شامل بیست هزار بیت در مقتل امام حسین (ع) سروده شده است. دومین اثر مهم الهامی فتحنامه که بر وزن شاهنامه سروده شده است و در واقع شاعر سعی بر حماسه‌سرایی داشته اما نه به قوت و سختگی حماسه‌های همعصر یا پیشین بلکه می‌توان گفت در حدّ طبع‌آزمایی و سیاه‌مشقی از روی سبک و شیوه ابوالقاسم فردوسی عمل کرده است.

محتوای فتحنامه، شرح لشکرکشی حسام‌الملک حاکم و والی دست‌نشانده ناصرالدین شاه در اواخر قرن سیزدهم هجری با احمدوند چلبی طایفه‌ای از گُردهای هماوند یا هموند ساکن کرمانشاه است که پس از پیروزی حسام‌الملک و کشت و کشتار آنها با اجازه‌ی خود حسام‌الملک از سوی الهامی سروده شد به شرط اینکه در آن از اغراق‌گویی‌های بیش از حدّ شاعرانه و موارد الحاقی پرهیز شود و چیزی خارج از گزارش روزانه حسام‌الملک از جنگ نباشد. - اما با مطالعه منظومه متوجه می‌شویم که با وصف تأکیدات حسام‌الملک باز هم شاعر آنگونه که باید و شاید است نتوانسته از اغراق‌گویی‌های شاعرانه و زیاده‌روی در آنها پرهیز کند و به عبارت دیگر می‌توان گفت حتی این اغراق‌گویی‌ها به سبک شخصی شاعر تبدیل شده است. - برای شناخت بیشتر منظومه بهتر آنست که بدانیم حسام‌الملک که بود و چگونه به والیگری کرمانشاه رسید (محمدی افشار، جهادی حسینی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵۶-۲۳۱).

## حسام‌الملک و والیگری کرمانشاه

حسین خان حسام‌الملک (در گذشته: صفر ۱۳۰۷ ه. ق) از خوانین قراگوزلوی همدان، نوه دختری فتحعلی‌شاه و حاکم کرمانشاه و کردستان بود. حسین خان پسر سرتیپ علی خان نصرت‌الملک قراگوزلو و زبیده خانم دختر عارف و شاعر فتحعلی‌شاه قاجار بود. حسین خان در ذی‌القعدة سال ۱۲۹۸ ه. ق نشان و حمایل امیر تومانی گرفت. در سال ۱۳۰۱ ه. ق از جانب مسعود میرزا ظل‌السلطان پسر ناصرالدین‌شاه قاجار که حکومت نیمی از ایران را داشت، نایب‌الحکومه کرمانشاه شد. در سال ۱۳۰۵ ه. ق ناصرالدین‌شاه یک شبه ظل‌السلطان را از

تمام مناصبش، جز حکومت اصفهان، خلع کرد. پس از آن حسام‌الملک از طرف شاه مستقلاً حاکم کرمانشاه شد و حکومت کردستان نیز به او تعلق گرفت. او در صفر ۱۳۰۷ هـ ق در حالی که همچنان حاکم کرمانشاه بود، در همان شهر درگذشت (اذکایی، ۱۳۶۷: ۸-۶).

## هماوند‌ها و احمدوند چلبی

هماوند یا هموند از ایلات بزرگ گرد هستند که بخشی از آنها در ایران در مناطق کرمانشاه، سردشت، ارومیه و تعدادی دیگر در عراق و لبنان ساکن هستند. در دوره حکمرانی ناصرالدین شاه قاجار برای سرکوبی هماوند‌ها که قومی سرکش تلقی می‌شدند، حسام‌الملک برای سرکوبی آنها از طرف حکومت وقت گسیل شد. شرح ماجرای سرکوبی هماوند‌ها توسط الهامی شاعر در قالب مثنوی، به شیوه منظومه در ۲۵۰۰ بیت سروده شد. محتوای این منظومه منطبق با دفتر گزارش روزانه حسام‌الملک حاکم کرمانشاه در دوره ناصرالدین شاه قاجار پیش از مشروطه است و از این جنبه که متن، مربوط به شاعری گرد زبان در غرب کشور و در دوره بی‌رونقی منظومه‌سرایی است بسیار حائز اهمیّت است. این منظومه شرح وقایع سرکوبی «هماوند»‌ها یا همان «احمدوند چلبی» توسط حسام‌الملک است. اهمیّت این منظومه جدا از جنبه ادبی و پیروی شاعر از سبک شاهنامه، به عنوان یک منبع تاریخی از دوره قاجار حائز اهمیّت است و از سویی دیگر چون یکی از رویدادهای منطقه‌ای و محلی را بازگو می‌کند، می‌تواند مرجع مهمی در تدوین تاریخ محلی یکی از ایلات بزرگ کرمانشاه محسوب شود.

ژاک دو مورگان مستشرق فرانسوی در یادداشت‌های سفر خود در ۱۸ مارس ۱۸۹۱ م. خود در مورد واقعه سرکوب جوانمیر هماوند چنین آورده است: «... بر تپه‌ای و قصری در اطراف آنها برج‌هایی است که دوازده سال پیش توسط یک رئیس گرد به نام جوانمیر ساخته شده که با زنانش در آن جا می‌زیسته است و مخصوصاً بیشتر مسئولیت زواری را که به کربلا می‌رفته‌اند؛ به عهده داشته است. بعدها به سردار حسام‌الملک پدر میرینج حسام‌الملک حاکم کرمانشاهان دستور داده شد که جوانمیر را که به عنوان رئیس راهزنان قلمداد کرده بودند، به قتل برسانند. حسام‌الملک به نزدیک قصر وی آمده و اردو می‌زند و در قبال رئیس گرد، به دوستی شدیدی تظاهر کرده وی را به چادر خود دعوت می‌نماید. جوانمیر بدان جا می‌رود؛ اما هنوز وارد نشده

او را گرفته و سرش را می‌برند، قصر تا چند روز مقاومت کرده زن‌ها با تفنگ از خود دفاع کرده و شمار زیادی از سربازان ایرانی را کشتند. سرانجام آنها را به گلوله‌های توپی که دیوارها را سوراخ می‌کردند؛ سپردند. هیجده افسر عمده جوانمیر کشته شدند و نوزده و به روایتی شش سر، کاه‌چیان<sup>۱</sup> شده به تهران یا اصفهان ارسال گردید. این اعدام‌ها در (۱۳۰۴ ه. ق / ۱۸۸۸ م.) انجام گرفتند. جوانمیر سنی بود، وی از طرف شاهزاده ظل السلطان که در آن موقع حاکم همه این نواحی بود و سه هزار نفر تحت امر او را حفظ می‌کردند و به این منصب گماشته شده بود...» (زنگنه، بی‌تا: وبلاگ فرامرزی).

### مختصری درباره نوع ادبی حماسه

همه محققان در این نکته متفق القول اند که سبک حماسی، سبکی فاخر و جزیل است که باید در آن عظمت، هم از نظر لفظ و هم از نظر معنی، چشمگیر باشد: علو معنی و صلابت لفظ (شمیسا، ۱۳۷۸: ۹۶)، پس شکوه و صلابت در متون حماسی از ویژگی‌هایی اساسی و ساختار اصلی این نوع متون محسوب می‌شود.

یکی از مسایل عمده‌ای که ناقدان اروپایی از قدیم به آن توجه داشته‌اند و از خلال فن شعر ارسطو و آثار مشابه آن می‌توان دریافت، تقسیم‌بندی آثار ادبی است. توجه به صورت و تقسیم‌بندی آثار ادبی از رهگذر فرم و شکل، نقص عمده‌ای در سنت شعری ما به وجود آورده است و آن فراهم آوردن دیوان‌های شاعران ماست بر اساس قصیده، غزل، رباعی و غیره، آنگاه تقسیم‌بندی قوالب به ترتیب حروف تهجی. اولویت دادن به تقسیم‌بندی با رعایت شکل ظاهری و ترتیب حروف الفبا و دخل و تصرف در تصحیح نسخ خطی از این حیث باعث شده است مشکلات جبران‌ناپذیری در مسیر شناخت بهتر تاریخ و شأن نزول اشعار پیش آید. برای مثال تقدم و تأخر غزل‌های حافظ را نمی‌توان بر اساس دیوان‌های چاپ شده عصر حاضر سنجید و صد البته مطالعه در جوانب روحی و معنوی شاعران نیز با دشواری‌های بیشتری رو به رو شده است (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۹۶) و اما در منظومه فتحنامه مسئله طور دیگر است زیرا

۱ . کاه‌چیان نوعی شکنجه بعد از مرگ بود که به دستور حکام انجام می‌شد و آن بدین شیوه بود که سر شخص متخطی را بریده و پر از کاه به نشانه انتقام و برای عبرت و ارعاب دیگران، آن را پر از کاه می‌کردند.

ترتیب آن و تحریر آن به دست خط خود شاعر بوده است. پس تقدّم و تأخر عناوین متن و محتوا بی‌تدبیر و نظم و انتظامی نبوده است.

«حماسه» یا Epic در لغت از واژه «حمس»؛ به معنای «دلیری و شجاعت» است (زمخشری، ۱۳۸۶: ۱۵۸) و در اصطلاح، شعر بلند روایی است، درباره رفتار و کردار پهلوانان و رویدادهای قهرمانی و افتخارآمیز در جهان باستانی یک ملت (مختاری، ۲۱: ۱۳۶۸) که می‌تواند اعمال قهرمانی یک فرد یا یک ملت باشد (صفا، ۱۳۷۹: ۴) در حماسه است که ما می‌توانیم یک ملت را مشاهده کنیم (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۲: ۱۰۰).

حماسه با توجه به قدمتی که در دارد از اولین انواع ادبی است که در بین مردم رواج داشته و چه بسا بازگوکننده تمدن‌های بشری است. «این واقعیت درست است که این نوع حماسه‌سرایی قرون ۵ و ۶ هجری به تدریج از رونق افتاد تا حماسه‌های تاریخی و دینی رنگ و بوی بیشتری به خود گیرد و زمینه حماسه‌های تاریخی را تاریخ و وقایع تاریخی بسازد. در قرن سیزدهم و در عصر قاجار، آثاری چون شهنشاها نامه صبای کاشانی، قیصرنامه ادیب پیشاوری و ایبات حماسی پراکنده‌ای از حکیم هیدجی و ادیب‌الممالک فراهانی در قالب حماسه‌های تاریخی شکل گرفت» (رک. ب، بیاتی، ۱۳۹۴: مقدمه). اما در لابه‌لای چنین نمونه‌هایی منظومه‌های کوچک و کم‌حجمی چون الهامی نیز به سبک و سیاق و وزن حماسه‌سرایی فردوسی سروده شده‌اند که با مطالعه و تدقیق در آن می‌توان دریافت این اثر از سه جنبه حماسی، تاریخی و مذهبی قابل بحث و بررسی است. برای نمونه در بحث ستایش و تحمیدیه پس از ایبات حمد و ستایش خدا و رسول به نوآوری پرداخته به شیوه موجز و یادکرد به ذکر خصال نیک اهل بیت و ائمه پرداخته در مجموع با تکیه بر باورهای دینی زمان خویش بخش آغازین کتاب را سروده است. اگر در شاهنامه تحمیدیه به نام خداوند جان و خرد آغاز می‌شود و بعد از حمد و ستایش خدا به نعت پیامبر و سپس خلفای راشدین پرداخته شده و بعد از آن به سبب نظم کتاب و... بالعکس در فتحنامه به دلیل تفاوت اعتقادی و فاصله زمانی این دو اثر، شاعر پس از ستایش خدا و پیامبر یادکرد مختصری از خلیفه چهارم، آل عبا، امام زمان و سایر ائمه اطهار سروده است و دیگر اثری از مدح خلفای راشدین دیده نمی‌شود.

در فتحنامه حمد و ستایش پروردگار و احصاء نام‌های او و ذکر صفات ذاتی، افعالی و تزبیهی خداوند، از جایگاه والایی برخوردار است و سایر بخش‌های زیرمجموعه آن نیز؛ همچون ستایش

پیامبر (ص)، امام علی (ع) و حسین (ع)، حضرت زهرا (ع)، امام مهدی (عج) و سایر ممدوحان معاصر شاعر، یادآور سنت دیرینه تحمیدیه‌سرایی در منظومه‌ها و متون حماسی و غنایی است.

پرستش یکی از اساسی‌ترین گرایش‌های باارزش انسان است و تصور انسان‌ها این بوده که با نیایش کردن و قربانی و خواندن ذکرها و انجام مراسم آیینی می‌توانسته‌اند به خواسته‌هایشان دست یابند. خاستگاه نیایش در درون و سرشت انسان است، از این‌رو هیچگاه از وی جدا نبوده و در میان تمام فرهنگ‌های بشری نمود و ظهور یافته است. ارتباط انسان با خداوند یکی از قوی‌ترین نقاط مشترک در تمام ادیان بزرگ جهان است. بسیاری از کهن‌ترین آثار باقیمانده بشر، مانند: وداها، اوستا، اوپانیشاد، گاتاها و غیره مجموعی از سرودهای مذهبی هستند که بسیاری از آن‌ها در آثار حماسی ظهور یافته‌است. مناسک مذهبی نه تنها بخش مهمی از مذهب بلکه بخشی از نظام اجتماعی بوده‌اند (ذکرگو، ۱۳۷۷: ۲۵).

اگر ستایش، نعت، منقبت و مدح را از زیر مجموعه‌های تحمیدیه بدانیم نکته قابل توجه در منظومه فتحنامه الهامی شاعر این است که شاعر خود معتقد به تقسیم‌بندی خاصی بوده، برای نمونه در ستایش حضرت رسول (ص) اصطلاح نعت را و برای حضرت علی (ع) اصطلاح منقبت و برای حضرت زهرا (ع) اصطلاح مدح را به کار می‌بندد در حالی که محتوای همه بر پایه وصف و مدح است البته نه مدح مفصل بلکه مجمل و مختصر تا جایی که می‌توان آن را نوعی یادکرد و ذکر نیک به حساب آورد. فقط در بخش ستایش پروردگار در ۱۹ بیت با بسم‌الله الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ منظومه فتحنامه را آغاز می‌کند سپس با ابیاتی از این دست به ستایش پروردگار می‌پردازد:

به نام برآورنده آرزو      که خالی نباشد ازو هیچ سو  
به هر سو که‌بینی همه اوستی      خداوند هر سوی و بی‌سوستی

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۵)

داستان در مورد سرکوبی ایلی است که به عقیده شاعر از بدان هستند و هم خداوند با بدان داوری می‌کند؛ این دیدگاه را با براعت استهلال در لابه‌لای ستایش پروردگار بیان می‌کند و کشتار هم‌اوندها را حکم و قدر الهی دانسته و آن را کاری پسندیده می‌داند:

ازو داوران را بود سروری هم او می‌کند با بدان داوری

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۵)

در ادامه خدا را به بی‌نظیری و بزرگی وصف می‌کند و در نهایت با بیت پایانی که در واقع شبیه به بیت مخلص قصیده عمل کرده طوری که از ستایش پروردگار به ستایش رسول گریز زده بعد عنوان را تغییر داده به نعت رسول می‌پردازد:

ندارد معین و شریک و نظیر      نه یار و نه پیوند و نی دستگیر  
چو خود را شبیه و نظیری ندید      رسولی چو خود بی‌نظیر آفرید

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۶)

### در یادکرد حضرت رسول خاتم صلی الله علیه و آله و سلم

الهامی یادآور می‌شود که پیامبر(ص) خواجه لولاک است و هیچ جفت و همالی برای او نیست الا علی (ع) همسر و جفت دخترش فاطمه (ع):

جهانبان خداوند لولاک تاج      کزو یافت یزدان‌شناسی رواج

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۷)

نبد جفتش از آشکار و نهفت      مگر آنکه با دخترش بود جفت

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۷)

همسر فاطمه(ع) یعنی حضرت علی(ع) و آنگاه در ذکر نام و یادکرد نیک حضرت شاه اولیاء صلوٰة الله و سلامه علیه ۱۲ بیت می‌سراید:

علی دست با نیرو دادگر      که با وی پدید آورد خیر و شر  
بدو داد تابش بخورشید و ماه      و زو گشت پیدا سپید و سیاه  
فروغ ازل پرتو چهر اوست      دل اهل دل، روشن از مهر اوست  
دلش معدن و گنج علم خدای      سرپایش آئینه حق‌نمای

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۸)

اگر نظری به سبک‌شخصی شاعر بیندازیم متوجه این نکته می‌شویم که حبّ اهل بیت رسول در بقیه آثار او نیز آنچنان پررنگ است که این نوع حبّ که با اغراق‌های شاعرانه نوآفرینی، همراه شده و به سبک شخصی تبدیل گشته، کمتر شاعری حتی شعرای شیعی مذهب در توصیف مقام معنوی حضرت علی (ع) این‌گونه اغراق‌آمیز عمل کرده‌اند که جبرئیل امین را در مکتب امام علی (ع) نوآموز بدانند و نفسش را مسیح‌آفرین بخوانند:

نوآموز او جبرئیل امین      دم روح بخشش مسیح‌آفرین  
ز اولاد آدم ولی آدمش      پرستنده زنده جان از دمش  
دل و دیده و دستیار رسول      دم ذوالفقارش حصار رسول  
زهی شیر و شمشیر پروردگار      که شد باره دین از او استوار

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۸)

اغراق را ازین هم فراتر برده و ادعا می‌کند که اگر شمع وجود علی (ع) نبود نشانی از دین اسلام هم وجود نداشت و یا در بیت بعدی اغراق‌آمیزتر نیز عمل کرده و علوّ علی (ع) را تا به جایی رسانده که دست خدا به هر آنجا که در فکر نیز نمی‌گنجد رسیده باشد، علی (ع) آنجا پا گذاشته و بت شکن بوده. به عبارت دیگر می‌توان گفت شدت علاقه او به اهل بیت، امر خدا پرستی را بر او مشتبه کرده و وحدت را در تمامی شخصیت‌های گفته شده جلوه‌گر می‌بیند:

اگر شمع جانسوز حیدر نبود نشانی ز دین پیمبر نبود  
 به جایی که یزدان بدان سود دست علی سود پای و بتان را شکست  
 علی را ندانی که چون است و چیست؟ مکن رنج، خود را که کار تو نیست  
 خدا داند و ابن عمش رسول وزان پس همایون همالش بتول

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۸)

در آخرین بیت باز وقتی می‌خواهد مدح شخصیت دینی دیگری را از اهل بیت رسول آغاز کند، مقدمه‌چینی می‌کند و با نوآوری شگفت‌انگیزی هنجارشکنی کرده و بیت «شبه تخلصی» را در قالب مثنوی که مرسوم غالب مثنوی هم نیست آورده و از بتول یاد می‌کند و بعد ۱۳ بیت در مدح صدیقه کبری حضرت زهرا سلام الله علیها می‌آورد:

سرافراز بانوی اهل بهشت که ایزد مر او را ز عصمت سرشت  
 بایوان وحدت یکی پردگی که بُد مریمش کهنترین بردگی  
 از آن دم که او را خدای آفرید به جز دیده ایزدش کس ندید  
 غبار رهش سُرمه حور بود زهر دیده پیوسته مستور بود  
 جز آن دختر شهسوار بُراق که جفتش بُد زیر این هفت‌طاق  
 کرا می‌رسد با علی(ع) همسری زهی سرفرازی زهی برتری  
 چو از سایه‌اش خواستم بُرد نام خرد گفت: رو آفتابش بنام  
 زهی شرم ازین گفته ناصواب کجا سایه او، کجا آفتاب  
 خرد کی بدانکس تواند رسید که او سایه و آفتاب آفرید  
 چه مدحش کنم من که او را سزد که از مدحتش عاجز آید خرد  
 چنان عصمتش بسته راه حواس که نبود خرد را مجال سپاس  
 سمند سخن مانده از پویه لنگ گذرگاه شک است و ره پر ز سنگ  
 همان به کزین آرزو بگذریم به نوباوگانش درود آوریم

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۹)

در یادکردی نکته‌سنجانه، ملایم و زیبا، وصف حضرت فاطمه (ع) را به پایان برده و با رعایت مراتب سروری از خدا، رسول، علی، فاطمه، به مدح نوه‌های عزیز حضرت رسول که نوباوگان فاطمه (ع) بودند، می‌پردازد و بعد از آن عاشقانه و به ترتیب به یادکرد و ذکر نام و خصال

پسندیده دیگر امامان شیعه می‌پردازد:

سپس شاه ملک شهادت حسین	نخستین حسن خسرو خاقین
دو ریحانه باغ خیرالانام	دو شاه سرافراز فرخنده نام
یکی ساعد عشق را شاهباز	یکی طوطی سبزیبوش حجاز
به دین پیشوا بود و حق را ولی	که هم‌نام بُد با نیایش علی
جهان شرف سیّدالسادین	دگر چارمین خسرو راستین
که بُد اهل دین را به حق رهنمای	دگر پنجمین گنج علم خدای
که بُد حجت حق به جای پدر	شه راستین باقر تاجور
امام ششم صادق پاکخوی	دو دیگر جهان داور راستگوی
وزو شد عیان مذهب جعفری	که بودش به اورنگ دین، سروری
که آرد ملک بر حریمش سجود	دگر هفتمین شاه ملک وجود
بر قُبّه‌اش عرش چون فرش پست	سرافراز موسی کاظم که هست
شه دین؛ علی بن موسی الرضا	دگر کارفرمای مُلک قضا
مه چرخ اجلال شمس‌الشموس	همایون جهان‌داور مُلک طوس
امام نهم خسرو دین تقی	دگر شاه هر مؤمن متقی
محیط کرم پادشاه جواد	بلندآختر آسمان رشاد
علی تقی هادی مؤمنین	دگر رهنمای دهم شاه دین
پر جبرئیلش به درگاه فرش	که قبرش بود نورقندیل عرش
سپهدار جیش خدا عسگری	دگر گوهر گنج پیغمبری
که نامش حسن بود و خُلقش حسن	شهنشاه نیک‌اختر ممتحن

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۱۰ و ۱۱)

پس از ذکر ائمه به وصف و یادکرد امام زمان مهدی (عج) می‌پردازد و باتوجه به روایات و باورهایی که از آمدن او در افواه است دوره و عصر وی را دوره شادی و سرور و زدودن گرد ستم از چهره جهان می‌داند و متأسفانه به قدری در اغراق زیاده‌روی می‌کند که حتی رنگ و بوی الحاد به خود می‌گیرد چراکه در بیت دوم معتقد است که امام زمان مانند خدا از دیده‌ها پنهان است در حالی که «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ» (سوره شورا / آیه ۱۱):

دگر بدرِ چرخِ ولایت کزو  
 چو بزدان ز هر دیده پنهان بود  
 بدو گشت ختمِ ولایت چنان  
 فروزان از او نورِ پاکان همه  
 برازنده فرّ شوی بتول  
 کنون اوست دارای فرمان‌رو  
 امام زمان است و سلطانِ عصر  
 سر آفرینش ز بالا و پست  
 زهی پاک دارای با فر و هُش  
 خدای نصارا سر لشکرش  
 اگر مانده روزی به روز قیام  
 کشد هر کجا فتنه‌جوئی بود  
 نهد بر سر از فرّ دادار تاج  
 جهان را بشوید ز گردِ ستم  
 بود دور او دوره انبساط

جهان پرفروغ است و دین تازه‌رو  
 جنابش جهان را نگهبان بود  
 که بُد جدّ او ختم پیغمبران  
 خلیفه به جای نیاکان همه  
 نوازنده پیروانِ رسول  
 پس از دادگر بر همه مایسو  
 به امرش نظام جهانراست حصر  
 به پیمان او پاکیزدان به بست  
 که مؤمن‌نواز است و دجال‌کش  
 رسول یهودان کهین چاکرش  
 بیاید برآرد پرند از نیام  
 بسوزد کجا زشت خوئی بود  
 دهد دین پاکِ نیا را رواج  
 نماند بجا نامی از رنج و غم  
 زمان سُرور است و گاه نشاط

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۱۱ و ۱۲)

در نهایت به شیوه ذکر، و یادکرد و ستایش‌های پیشین با حسن ختام و بیت تخلصی، وصف و یادکرد را به اتمام رسانده و پیش‌زمینه یادکرد بعدی را فراهم می‌سازد، به این شیوه که ذکر در ذکر و یاد اندر یاد می‌سازد یعنی ذهن شاعر، ذهن خواننده و مخاطب خود را به موضوع دیگری متبادر می‌سازد که در این منظومه دوره پادشاه وقت (ناصرالدین شاه) را تشبیه می‌کند به دوره‌ای که قرار است با آمدن امام زمان، بیاید و البته آن دوره هنوز نیامده یعنی باز اغراق، آرزو و حبّ خود را افسارگسیخته در میدان شعر رها کرده است در حالی که حدود دو قرن از وجود شاعر گذشته اما هنوز امام مهدی (ع) ظهور نفرموده‌اند و شاعر اعتراف می‌کند که دوره ممدوحش (پادشاه وقت) گویی یادگاری از دوره امام زمان است و ایران زمین پر از خرمی و سرسبزی گشته است:

تو گوئی که این عهد و این روزگار از آن دوره خوش بود یادگار  
 که از عدل سلطان با داد و دین پر از خرمی گشته ایران زمین  
 (الهامی، نسخه خطی مجلس: ۱۳)

در بخش‌های پایانی منظومه نیز شاید بتوان گفت به رسم نظامی شاعر قرن ششم، با مناجات و ستایش و شکر ایزد، منظومه را البته از زبان امیر قلعه‌گشای به پایان می‌برد و درخواست می‌کند که خدا و رسولش را از او شادمان گرداند و همچنین امام علی (ع)، نیز بضعه ناشاد (فاطمه) علیه‌السلام را و نیز دو نوه شهید او یعنی حسن و حسین را از او شاد کند که با شمشیر او دشمن زائران کربلا از پای درآمد. «بضعه» با فتح باء معنی قطعه یا تکه گوشت است. در روایت رسول خدا «فاطمه بضعه منی» از همین معنا است. گاهی این واژه با کسره «با» می‌آید. معنایش این است که فاطمه جزئی از من است؛ چنانچه تکه از گوشت جزئی از آن گوشت است (العالمی، ۱۴۱۸ ه. ق: ۶۶):

کنای مهربان داور غیب‌دان رسول خدا را ز من شادمان  
 همان شیر دادار داماد او همان بضعه پاک ناشاد او  
 دو سبط شهیدش حسین و حسن شهیدان آن شاه گلگون کفن  
 که این دشمن زائران امام ز شمشیر من گشت عمرش تمام  
 (الهامی، نسخه خطی مجلس: ۶۴)

الهامی در آخرین بخش از ستایش و یادکردهای کوتاه و تلمیح‌گونه از اهل بیت و ائمه، از پروردگار می‌خواهد که بعد از مرگ او را تبدیل به خاک کربلای حسین (ع) کند و هر کسی هم که این آرزو را دارد، آرزوی او را اجابت نماید. او ضمن آوردن تاریخ اتمام منظومه به شعر، یعنی (۱۳۰۹ ه. ق) ختام المسک کلامش این است که به لفظ سعادت، سخنش را به نام ۱۲ امام شیعیان به پایان می‌رساند:

به من ماند این نامه نامدار  
 باقبال دارای گیتی‌فروز  
 هزار و سه صد سال و نه ماه تام  
 که گفتم من این نامه دلپذیر  
 نمانم من و ماند این نامه ام  
 ... خدایا مفرما مرا شرمسار  
 تم را شاهنشہ خاقین  
 هر آن کس که دارد همین آرزو  
 سخن را ز چهر ده و دو امام  
 به نامش همی در جهان یادگار...  
 بدی اول و آخرش پنج روز  
 شد از هجرت پاک خیرالانام  
 بنام همایون نامی امیر  
 که بنگاشته دُرفشان خامه‌ام  
 ز پیغمبر و آل آن تاجدار  
 بکن خاک در کربلای حسین  
 روا کن ز رحمت تو امید او  
 بلفظ سعادت نمودم تمام

(الهامی، نسخه خطی مجلس: ۷۴-۷۲)

## نتیجه‌گیری

الهامی در مدح و منقبت و رسایی اهل بیت بیش از چندین هزار بیت به تفصیل در دیگر آثار خود چون «باغ فردوس» دارد به همین دلیل این نوع اشعار را در منظومه فتحنامه او چیزی جز یادکرد نمی‌توان نامید. عرق مذهبی در بخش یادکرد اهل بیت بسیار پررنگ و قابل توجه است. شاعر شیفته ستایش اهل بیت است و برای توصیف‌های بسیار اغراق‌آمیز این عشق و علاقه خویش به مقام و جایگاه خدا و رسول نیز سر می‌ساید و برای تقدیس بیش از پیش ممدوحان خویش از ائمه به‌ویژه امام علی (ع)، امام حسین (ع) و امام زمان (عج) تقلا می‌کند. یادکردها حاکی از عشق و حبّ کثیر شاعر نسبت به اهل بیت است و تجلی این حبّ در سایر آثار شاعر به خوبی این حقیقت را به اثبات می‌رساند با این تفاوت که در آثار دیگر او مانند: شاهدنامه یا باغ فردوس که روایتی منظوم و مفصل از قیام حضرت سیدالشهداء است و نمونه بارزی از ادبیات مذهبی قرن سیزدهم هجری، در فتحنامه که منظومه‌ای حماسی - تاریخی از دوران حاکمیت ناصرالدین شاه قاجار است جلوه اهل بیت کوتاه، موجز و مختصر است؛ علت آنهم این است که شاعر قصد دارد یک منظومه حماسی بسراید و یک ماجرای تاریخی را به قلم و دیدگاه خود بازگو کند به همین دلیل ستایش اهل بیت شکل دیگری به خود می‌گیرد و عملاً به خاطر همین اختصار و اجمال از نعت و منقبت پایین‌تر آمده و به ذکر و یادکرد اکتفا می‌کند

هر چند در بخش آغازین منظومه به حمد و ستایش پروردگار پرداخته و از جنبهٔ ساختار، ترتیب و آداب منظومه‌سرایی با سایر تحمیدیه‌های ادب فارسی اشتراکاتی دارد اما از شروع نعت حضرت رسول (ص) تا نعت و یادکرد امام علی (ع)، فاطمه (ع) و بقیه امامان تا امام مهدی (عج) و سپس ممدوحان دیگر اعم از پادشاه وقت (ناصرالدین شاه) تا وزیر و وزرا و حکمران محلی (حسام‌الملک) ضمن ستایش اهل بیت هیچ اثری از ستایش یا ذم خلفای راشدین یا التفاتی به مذهب سرکوب‌شدگان دیده نمی‌شود. منظومه با همه رشادتهایی که از حسام‌الملک تعریف می‌کند و همهٔ زیبایی‌هایی که در جای‌جای آن از آغاز تا پایان منظومه از بخش ستایش و مناجات گرفته تا مدح، ذکر و یادکرد اهل بیت و ائمهٔ اطهار جلوه‌گر شده‌است، تصوّر می‌شود در متن داستان - که در واقع گزارش روزانهٔ جنگ حسام‌الملک با ایل سرکش احمدوند چلبی است - در جوار یادکرد نیکان از اهل بیت و ائمه، در بازگویی رویدادها از گذشت و رأفت سربازان ایرانی با هموطنان بومی سخن به میان رفته باشد اما با وجود این همه ستایش خصال نیک حضرت علی (ع) و سایر اهل بیت رسول و ائمه که هر کدام نشان از نوع دوستی و پرستش خدا دارد دریغا خوانندهٔ منظومه، قتل و خون‌ریزی و بریدن سر مردان یک ایل و غارت اموال، زنان و بچه‌ها و بازماندگان مصیبت‌دیده و آوارگی و کوچاندن آن‌ها را مشاهده می‌کند.

به حقیقت شاعری که تا این حدّ لطیف طبع بوده باشد پذیرش قساوت او در بازگویی قتل و غارت و برحق دانستن آن، بسی دشوار به نظر می‌رسد.

یادکرد پیامبر (ص)، امام علی (ع)، حضرت فاطمه (ع) و سایر ائمه تا امام مهدی (عج) در کنار شخصیت‌های دیگر داستان، اعم از تلمیح به داستان‌های شاهنامه هم‌ردیفی شکوه و عظمت شخصیت‌های دین و حماسی در کنار یکدیگر رنگ و بوی فرهنگ ایرانی را به وصف‌های ایشان داده و شاید بتوان گفت همین امر باعث پذیرش اشعاری از این دست در بین مردم شده است.

## کتاب‌نامه

### کتاب

۱. انسانی، علی. شاهدنامه چهار خیابان باغ فردوس: روایتی منظوم از قیام حضرت سیدالشهدا. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل، ۱۳۹۴.
۲. ذکری، امیر حسین. اسرار اساطیر هند. تهران: انتشارات فکر روز، ۱۳۷۷.
۳. زمخشری، محمود بن عمر. مقدمه الأدب. تهران: مؤسسه مطالعات اسلامی دانشگاه تهران. چاپ اول. ۱۳۸۶.
۴. ستوده، غلامرضا و نجف‌زاده بارفروش، محمدباقر. تحمیدیه در ادب فارسی. تهران: واحد انتشارات بخش فرهنگی دفتر مرکزی جهاد دانشگاهی، ۱۳۶۹.
۵. سلطانی، محمدعلی. مسعودنامه (یا) فتح‌نامه حسام‌الملک به انضمام محاربات ملک نیاز خان کردی با هم‌و‌ندها در واقعه جوانمیر چلبی. تهران: انتشارات سپها، ۱۳۸۴.
۶. شفیعی کدکنی، محمدرضا. موسیقی شعر. چاپ ششم. تهران: انتشارات آگه، ۱۳۸۴.
۷. صفا، ذبیح‌الله. حماسه‌سرایی در ایران. چاپ ششم. تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۳۷۹.
۸. العاملی، جعفر مرتضی. م‌اساه الزهرا (علیها السلام) شهادت و ردود. ناشر: دار السیره بیروت - لبنان، الطبعة: الثانية، ۱۴۱۸ هـ / ق / ۱۹۹۷ م.
۹. مختاری، محمد. حماسه در رمز و راز ملی. چاپ اول. تهران: انتشارات قطره، ۱۳۶۸.

### مقاله و پایان‌نامه

۱۰. ابراهیم‌زاده، محمدکاظم. (۱۴۰۱). «احتمال نقض غرض در تصحیح باغ فردوس الهامی کرمانشاهی (تأملی بر تصحیح منظومه حماسی و آیینی شاهدنامه)». پژوهشنامه فرهنگ و ادبیات آیینی. دوره ۱، شماره ۲، پیاپی ۲؛ صص ۲-۲۱.
۱. اذکایی، پرویز. (۱۳۶۷). «قراگوزلوهای همدان خاندان امیرافخم شورینی (بخش سوم)». آینده. سال چهاردهم، ش ۶-۸، صص ۲۶۵-۲۷۸.

۲. بیاتی، نرگس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد: حماسه‌سرایی در عصر قاجار با تکیه بر حماسه‌های تاریخی. استاد راهنما: محمد رضا نجاریان. دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه یزد، ۱۳۹۴.
۳. حیدری، غلامرضا؛ بیگزاده، خلیل و نورایی، الیاس. (۱۳۹۹). «بازخوانی جلوه‌های مقاومت در خطبه‌های حضرت زینب (س) و شعر عاشورایی الهامی». دانشگاه رازی. دوره دهم، شماره ۴، پیاپی ۴۰.
۴. زنگنه، امیرحسین. (بی‌تا). «مقاله برگرفته از کتاب شهریارا گُرد». وبلاگ فرامرز خسروی.
۵. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». فصلنامه خرد و کوشش. پژوهشگاه علوم انسانی و ارتباط فرهنگی. تهران، ش ۱۱ و ۱۲، صص ۹۶-۱۱۹.
۶. ضیایی نیری، غلامرضا؛ اسداللهی، خدابخش. (۱۴۰۱). «بررسی تطبیقی اشعار عاشورایی الهامی کرمانشاهی و عباسقلی یحیوی از بعد حماسی». فصلنامه ادبیات و زبان‌های محلی ایران زمین. دوره ۱۲، شماره ۴، پیاپی ۳۸، صص ۸۸-۱۱۲.
۷. کرمی، محمدحسین و آذرمان، حشمت‌الله. (۱۳۸۷). «بررسی تطبیقی تحمیدیه‌های چهار لیلی و مجنون (نظام، امیر خسرو ۱۳. دهلوی، جامی، مکتبی)». گوهر گویا. سال ۲. ش هفت، ۱۳۸۷، صص ۱-۳۷.
۸. محمدی افشار، هوشنگ و جهادی حسینی، سیدامیر و یعقوبی چترودی، محمدرضا. (۱۳۹۷). «بازتاب حماسه ملی در شاهنامه الهامی کرمانشاهی». مجله مطالعات ایرانی. ش ۱، سال هفدهم، شماره ۳۴، صص ۲۳۱-۲۵۶.
۹. میرزائی، محمدسعید. (۱۳۹۳). «معرفی حماسه دینی «چهار خیابان باغ فردوس» و بررسی ارتباط آن با شاهنامه فردوسی». فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب). سال هفتم، شماره دوم، پیاپی ۲۴، صص ۲۱۳-۲۳۱.